# تعین احتمال «نفی تاکد استحباب» در روایت ابن خالد

خالصه در مورد این دو احتمال و این اعراضی که گفته‌اند باید چه بگوییم؟ قبلاً آقایان همین روایت را به من دوباره داده بودند. خود من هم از کتاب صوم حاج آقای شبیری که ابتدا نظرشان این بود که رؤیت با تلسکوپ مجزی است، و بعد در کتاب صوم‌شان فرمودند که نظر من بعداً عوض شد و دیدم خلط صورت گرفته. لذا من عدول کردم و الآن می‌گویم تلسکوپ مجزی نیست. این را قبلاً خوانده‌ام. همین روایت ابن خالد را ایشان قبلاً فرمودند و من در اینجا خواندم. فرمودند روایت ابن خالد، ردّ ودّ چیزی است. هم در فرمایش مرحوم آقای خوئی است. در اینکه اشتراک افق شرط نیست. و هم در تلسکوپ است.

چون بحث روایت ابن خالد در مباحثه ما داغ است، یادآوری آنها خوب است. من قبلاً آن را عرض کرده بودم و به الآن حواله داده بودم. این روایت را باید جمع‌بندی کنیم. در این روایت حضرت فرمودند: «فلا». دو احتمال مطرح شد. خب کدام یک از آنها است؟ می‌توانیم بین آنها ترجیح بدهیم که «فلا» یعنی «فلا استحباب»؟! یا «فلا وقف»؟! یا «فلا اجزاء»؟! یا به‌معنای «فلا تأکّد للاستحباب» است؟! مرحوم میرزا در غنائم همین روایت را می‌آورند و می‌گویند اصلاً نمی‌شود که اینگونه بگوییم.

علی ای حال من می‌خواهم چیزی بگویم که مشی بر یقین باشد. برای همیشه این نکات در مورد این روایت در ذهن شریفتان بماند. ببینید درست است که در روایت ابن خالد حضرت فرمودند: «اما و لیس علة و لا شبهة فلا». اما حضرت یک «لا» دومی هم دارند. آن «لا» دوم که ذیل حدیث است، قرینه‌ای است که نمی‌توانند بگویند قرینه استظهاریه است. بلکه قرینه قطعیه است. با چیزهایی که از بیرون می‌دانیم قرینه قطعیه بر مرام امام علیه‌السلام است که این «لا» اول به چه معنا است. خب ذیل حدیث چه بود؟ «فأما ولیس علة ولا شبهة فلا، فقلت: أفطر الآن؟ فقال: لا[1]»؛ الآن بعد از ظهر است و من هم با عنایت به حدیث «وقف له» روزه گرفته‌ام. حالا افطار بکنم؟

**شاگرد:** اگر باطل باشد باید افطار بکند.

**استاد:** بله. باید افطار کند چون صوم باطل است. اما حضرت فرمودند «لا».

**شاگرد۲:** لاتبطلوا اعمالکم.

**استاد:** اینکه انبطال بوده. من ابطال نکردم. روزه‌ای نیست. آن چه که تو گرفتی، روزه نبوده. چون سفره آوردند. اگر روزه باطل بود حضرت می‌فرمودند «لاشبهة و لاعلة فلا». یعنی استحباب

نیست، اجزاء نیست، «وفّق» نیست. بیا بخور و راحت باش. فقط توهمی کردهاید. توهمی کرده بودی، بیا بخور. اما میگویی که افطار کنم؟! حضرت میفرمایند «لا». یعنی «انت صائم بالصوم الصحیح الشرعی». این را هر کسی میفهمد یا نمی فهمد؟!

دنبالهٔ آن را ببینید: «فأما ولیس علة ولا شبهة فلا، فقلت: أفطر الآن؟ فقال: لا»، دنبالهٔ آن را در وسائل نیاوردهاند. در تهذیب هست. «قلت: وكذلك في النوافل ليس لي أن افطر بعد الظهر؟

قال : نعم[2]»؛ یعنی مصداق را به این صورت فهمید: چون روزه من روزه نوافل بود؛ من هم الآن صوم نوافل دارم؛ صوم نافلهٔ صحیح دارم؛ اما تأیید کردند که داری اما چون بعد از ظهر است افطار نکن. سائر نوافل هم همین صورت است. اما فتوا این نیست. ما میدانیم روزه مستحبی را تا نزدیک غروب هم عمداً میتوان افطار کرد. فقط قضاء ماه مبارک است که بعد از زوال نمیتوان افطار کرد. اما روزه مستحبی میشود. ولی باز شک نداریم که وقتی زوال شد دیگر مرجوح است. اختیار دارد؛ حرام نیست که کفاره بدهد. در صوم مستحبی هم بعد از زوال میتواند افطار کند. لذا لسان این روایت لسان رجحان است. این خودش یک شاهد است.

حضرت فرمودند در سائر نوافل و این نافلهٔ افطار نکن، این به چه معنا است؟ یعنی صوم تو الآن صحیح است. خود امام فرمودند صوم این صائم در چه شرائطی است؟ در شرائط سوم الشک نیست. چون «لاعلة و لاشبهة». ولی روزه او صحیح است. از جواهر هم بخوانم:

> **وكيف كان فيوم الشك ولو نوى المكلف صومه مندوبا لأنه من شعبان أجزأ عن رمضان إذا انكشف انه منه بلا خلاف أجده فيه ، بل ربما ظهر من المصنف والفاضل نفيه بين المسلمين ، بل الإجماع بقسميه عليه بل المحكي منهما مستفيض حد الاستفاضة إن لم يكن متواترا[3]**

**«وكيف كان فيوم الشك ولو نوى المكلف صومه مندوبا لأنه من شعبان أجزأ عن رمضان إذا انكشف انه منه بلا خلاف أجده فيه، بل ربما ظهر من المصنف والفاضل نفيه بين المسلمين»؛** نفی الخلاف بین المسلمین. من هنوز نمیدانم چرا صاحب حدائق فرمودند اتفاق عامه بر عدم اجزاء است. ایشان گفتند. در پاورقی هم محقق کتاب گفته بودند که بین عامه اختلاف است. چندین کتاب آورده بودند. یعنی ایشان هم مأخذی برای حرف صاحب حدائق پیدا نکرده بودند. نقلیاتی که صاحب حدائق از عامه دارند و بهطور کلی بعد از قرن دهم و یازدهم نقل علماء شیعه از اهلسنت خیلی قوی نیست. فاصلههای زیاد شده بود و بین یکدیگر هم نبودند. به خلاف بزرگانی که در بغداد بودند. مثل مفید، سید، شیخ الطائفه و علامه. علامه در محیط عراق با عامه رفتوآمد حسابی داشتند. یعنی محیطی بوده که یکدیگر را میدیدند و همچنین اطلاع آنها زیاد بود. ماشاءالله شهیدین در اطلاع بر فقه عامه خیلی جلو هستند. لذا من نمیدانم که صاحب حدائق از کجا فرمودند. اما اینجا را ببینید: این دو بزرگوار میگویند: «نفيه بين المسلمين». یعنی اگر در یوم الشک شبههای هست، برای خصوص عنوان روز شک است. شک یعنی من احتیاط للشهر المبارک روزه میگیرم. اینجا است که برخی از سنیها میگویند مجزی نیست. اما اگر کار من اصالً صبغهٔ شهر مبارک نداشته باشد، صبغهٔ کار من تنها صوم شهر شعبان باشد؛ من کاری به ماه مبارک ندارم؛ نمیخواهم احتیاط کنم، بلکه دارم ماه شعبان را روزه میگیرم، اینجا است که میگویند اگر ماه را شب بیست و نهم دیدند -ماه که بیست و هشت روز نمیشود- داریم صورت اتفاق مسلمین است کسی که نیت شعبان کرده مجزی است.

**27:22**

**«بل الإجماع بقسميه عليه بل المحكي منهما مستفيض حد الاستفاضة إن لم يكن متواترا كالنصوص»؛** یعنی این مطلب این قدر قوی است که کسی که به نیت شعبان ندبا روزه گرفته، علاوه‌براینکه روزه او صحیح است، مجزی هم هست.

---

[1] وسائل الشيعة - ط الإسلامية ج۷ ص۱۵

[2] تهذيب الأحكام ج۴ ص۱۱۶

[3] جواهر الكلام ج۱۶ ص۲۱۱

---

بازبینی #1
ایجاد شده 25 مه 2026 13:21:26 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 مه 2026 13:23:02 توسط ... .